

تدوین سند ملی کاهش و کنترل آسیب‌های
اجتماعی ۱۳۸۴-۱۳۸۵
(مدون سازی یک تجربه)

روشنک وامقی*، حسن رفیعی**، سعید مدنی قهفرخی***

طرح مسأله: هدف طرح حاضر، دستیابی به سند مکتوب و ملی بر پایه حداکثر توافق کارشناسی مسئولان دستگاه‌های اجرایی و صاحب نظران ذیربط برای مداخله جهت کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی بوده است. روش: این یک مطالعه کیفی بود که در چهار مرحله اجرا گردید. در کلیه مراحل چهارگانه آن، از دو روش گفت و شنود متمرکز گروهی و دلفی استفاده شد. **یافته‌ها:** سند نهایی در ۱۰ قسمت شامل مقدمه، تعاریف، اهداف، اصول و مبانی نظری، تبیین و ارزیابی وضع موجود، چالشها، سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرای، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی، آیین نامه اجرایی، و بالاخره جدول تقسیم کار ملی تنظیم گردید. اهداف سند عبارتند از ارتقاء کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی آحاد جامعه، کاهش بروز آسیبها و مشکلات اجتماعی، کاهش شیوع آسیبها و مشکلات اجتماعی، و کاهش ناتوانیها و زیانهای ناشی از مشکلات آسیبهای اجتماعی.

بحث و نتیجه‌گیری: بر پایه نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود وزارت رفاه و تأمین اجتماعی با توجه به مأموریت و وظیفه قانونی و نقش کلیدی خود در حوزه‌های اجتماعی هر چه زودتر جهت پیاده سازی این برنامه گامهای جدی و مؤثر بردارد.

کلید واژه‌ها: سند ملی، پیشگیری، کاهش و کنترل، آسیبهای اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۲

تاریخ دریافت: ۸۷/۸/۲۷

* متخصص بیماریهای کودکان، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مرکز تحقیقات توانبخشی اعصاب کودکان <R_Vameghi@yahoo.com>

** روانپزشک و کارشناس ارشد بهداشت عمومی (MPH)، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** دکتری تخصصی جرم شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

طرح مسأله

روند فزاینده مشکلات و آسیبهای اجتماعی طی دو دهه اخیر و نابسامانی در برنامه‌های کنترل و کاهش آنها موجب شد تا ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تاریخ ۸۳/۶/۱۱ در مجلس شورای اسلامی تصویب و سپس در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اجرا در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به دولت ابلاغ گردد. بر این اساس وزارت رفاه و تامین اجتماعی از سوی ستاد برنامه موظف شد تا سندی فرابخشی موسوم به «طرح جامع کنترل و کاهش آسیبهای اجتماعی» را تدوین نماید. بر این اساس وزارت مزبور، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی را مامور کرد تا این مهم را به شیوه‌ای علمی انجام دهد. بدین ترتیب سند حاضر بر پایه دستور العمل تدوین اسناد فرابخشی ستاد برنامه و به روشی علمی و با مشارکت دستگاههای اجرایی مرتبط و تعداد قابل توجهی از اساتید، کارشناسان و صاحب نظران در این زمینه تدوین گردید.

در دهه شصت، جامعه ایران، شاهد مجموعه‌ای از تنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. کشمکش‌های سیاسی داخلی در فاصله سالهای ۱۳۶۰-۱۳۷۰، جنگ هشت ساله در فاصله سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۷ و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن موجب شد تا در سالهای پایانی دهه شصت، زمینه بروز و شیوع مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی فراهم گردد. این واقعیت در پیوست قانون برنامه اول توسعه به صورت زیر توضیح داده شده است:

«گسترده شدن ابعاد مسایل اجتماعی و فرهنگی از دیگر مشکلات کشور و از جمله آثار بلاتردید افزایش جمعیت کشور در سالهای اخیر است. این مسایل به ویژه با توجه به ساختار جوان جمعیت کشور عمده‌تأ در قشر جوان و نوجوان به صورت افزایش ناسازگاریهای اجتماعی و استفاده از مواد مخدر بروز می‌کند ... وجود پدیده بیکاری در جامعه و گسترش ابعاد آن در سالهای اخیر مشکل اجتماعی دیگری است که نه تنها آثار منفی اقتصادی داشته، بلکه اثرات آن نظیر افزایش جرایم نیز مشهود است» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸).

با توجه به شرایط فوق، برنامه اول تلاش داشت تا مداخلاتی به منظور کنترل آسیب‌های اجتماعی تدارک ببیند. اهداف ۵،۳ تا ۷ و ۹ برنامه به‌طور مستقیم به این موضوع اختصاص داشت. همچنین در همین برنامه خط مشی‌ها به صورت صریحی آسیب‌های اجتماعی را مورد بحث قرار داده بودند. مثلاً ذیل عنوان خط مشی سوم و تحت شماره ۱۹-۳ آمده بود: «بسیج کلیه امکانات دستگاه‌های اجرایی ذی ربط در جهت ریشه کنی اعتیاد و مبارزه با مفاسد اجتماعی» یا در ذیل خط مشی نهم و بند ۱۲-۹ آمده بود: «پیشگیری از وقوع جرایم و انجام مراقبت بعد از خروج زندانیان و خانواده‌های آنان و برخورد قاطع با عوامل قاچاق مواد مخدر و سایر مفاسد اجتماعی».

اما برنامه اول، فاقد انسجام کافی در برخورد با انحرافات اجتماعی بود به‌طوری که رؤس آن از کلی‌ترین وجوه در حد تکرار قانون اساسی (مثل تساوی همه در برابر قانون) تا جزئی‌ترین وجوه در حد عنوان برنامه‌ها (مثل ریشه کنی اعتیاد) را در برمی‌گرفت. همچنین در برنامه مذکور آسیب دیدگان و نه پدیده آسیب‌زا، مورد توجه قرار گرفته بودند. بنابراین عمده‌تأثیر کنترل گروه‌های آسیب دیده تأکید می‌شد و نه اصلاح زمینه‌های بروز آسیب‌ها. به عنوان مثال در بند ۱۲-۹ برنامه اول پس از تأکید بر پیشگیری از جرایم، انجام مراقبت از خروج زندانیان و خانواده‌های آنها مورد تأکید قرار گرفته بود. همچنین در بند ۶-۵ برنامه تعمیم بیمه‌های اجتماعی را نه به عنوان یک رکن از رفاه اجتماعی بلکه به عنوان راهی برای کنترل گروه‌های آسیب‌پذیر در نظر داشته است. در این برنامه همچنین تسلط رویکرد سنتی در مواجهه با آسیب‌ها به جای برخورد علمی کاملاً مشهود بود. مثلاً با مطلق‌انگاری در مسایل اجتماعی نسبت به ریشه‌کنی آسیب‌ها از جمله اعتیاد، اظهار امیدواری شده بود. به هر حال در پایان برنامه اول، آسیب‌های اجتماعی به گونه نگران‌کننده‌ای افزایش یافت. در واقع برنامه نه تنها توفیقی در کنترل آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی به دست نیاورد بلکه به دلیل گرایش مفرط به آزاد سازی اقتصادی، فقر را افزایش داد و زمینه شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد. این مسأله در مستندات مربوط به تدوین برنامه دوم مورد تأکید قرار گرفت.

برنامه دوم توسعه نیز در ادامه سیاستهای قبلی و با همان نقاط ضعف، برنامه‌هایی را به منظور کنترل آسیب‌های اجتماعی تدارک دید و اهداف ۱ تا ۸،۳ و ۱۲ آن عمدتاً به صورت غیرمستقیم اصلاحاتی را در مسایل اجتماعی پیش بینی کرد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳). به عنوان مثال ذیل هدف دوم و در خط مشی چهاردهم آن «بسیج کلیه امکانات دستگاه‌های ذی‌ربط در جهت ریشه کنی اعتیاد و مبارزه با مفاسد اجتماعی و تهاجم فرهنگی» مطرح شده بود یا ذیل هدف سوم و در خط مشی دوم آن آمده بود: «ترویج رفتار مناسب فردی، خانوادگی و اجتماعی و مبارزه با رواج الگوهای ناهنجار رفتاری ناشی از تراوش فرهنگی بیگانه». همچنین تبصره‌های ۱۲ و ۶۹ برنامه مذکور نیز به فعالیت‌هایی به منظور کنترل جرائم و آسیب‌های اجتماعی اختصاص داده شده بود. برنامه دوم توسعه اگر چه تلاش داشت با وسعت و انسجام بیشتری در مقایسه با برنامه اول توسعه، نسبت به کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی اقدام کند، اما در هر حال از همان نقایص و ضعف‌های جدی برنامه اول رنج می‌برد.

بنابراین هر دو برنامه اول و دوم توسعه در سیاست‌ها و خط مشی‌ها نقاط ضعف اساسی داشتند که مهم‌ترین آنها به قرار ذیل بودند: ۱- فقدان نگرش سامانه‌ای (سیستمی) و جامع به آسیب‌های اجتماعی ۲- تأکید و توجه عمده به آسیب‌دیدگان و نه آسیب‌های اجتماعی ۳- برخورداری از رویکرد سنتی به آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی و ضعف برخورد علمی در این زمینه، (مدنی قهفرخی، ۱۳۷۷).

به علاوه رویکرد در برنامه‌های اول و دوم عمدتاً متأثر از سیاست‌های تعدیل ساختاری بودند که به موجب آن چند اقدام مهم و اساسی که تأثیر مستقیمی بر وضعیت اجتماعی داشت باید انجام می‌شد: حذف یارانه‌ها (سوبسیدها)، کاهش ارزش پول ملی، کاهش کارکنان بخش دولتی، خصوصی سازی، تقویت بخش صادرات و تسهیل زمینه برای جذب سرمایه گذاری خارجی. این سیاست‌ها قبلاً در بسیاری کشورها تجربه شده بود و به موجب گزارش‌های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، اجرای این برنامه‌ها پیامدهای وخیم اجتماعی و فقر فزاینده مردم را به دنبال داشت. (The World Bank Economic Review, 1989,1991,1993)

علاوه بر موارد فوق هیچ یک از دو برنامه، توجهی به اصلاح ساختار دستگاه‌ها و مؤسسات فعال در زمینه آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی نداشتند و از این رو به مسایلی از جمله پراکندگی و تعدد دستگاه‌های مسؤول، عدم وحدت رویه آنها و فقدان مشارکت مردم و گروه‌های غیر دولتی در امر مبارزه با آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی نپرداخته و به این نقاط ضعف اساسی واکنش نشان ندادند.

اشکالات و نارسایی‌ها در دو برنامه اول و دوم توسعه همچنان زمینه افزایش شیوع و بروز آسیب‌های اجتماعی را فراهم کرد، به طوری که در آغاز تدوین برنامه سوم توسعه، حساسیت و دقت زیادتری در مقایسه با دو برنامه پیشین نسبت به این مسایل ایجاد شد. به عنوان مثال در گزارش بخش بهداشت و درمان، پیرامون چالش‌های آینده این بخش آمده است: «تحولات اقتصادی و اجتماعی، بحران اقتصادی و افزایش میزان بیکاری و افزایش تعداد جمعیت زیر خط فقر، در دوره‌های رکود و تورم شدید از عوامل مهم در ازدیاد جرایم، خودکشی، اختلالات روانی، اعتیاد، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳)». در همین گزارش پیش بینی شده بود که برای حل نسبی مشکلات یاد شده باید نسبت به توسعه برنامه‌های رفاهی و تامین اجتماعی اقدام کرد.

مسئولان بخش بهداشت و درمان همچنین در بحث پیرامون روندها و گرایشهای بخش بهداشت و درمان به «تغییر الگوی آسیب‌های اجتماعی»، «عدم توجه به مسایل اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر مثل کودکان، زنان و سالمندان» و «شیوع بیشتر آسیبهای اجتماعی و معلولیت‌های جسمی» و «بروز علایم بحران در برخی مناطق» اشاره کرده بودند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳).

این حساسیت نسبت به رشد آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در گزارش بخش قضایی برنامه سوم نیز به خوبی مشهود است. در گزارش یاد شده آمده بود که «سرعت رشد متوسط نرخ سالانه تقاضا برای خدمات قضایی از ۷/۸ درصد جمعیت کشور در برنامه اول به ۸/۲ درصد در برنامه دوم رسیده است» و پیش بینی شده بود که «در صورت ادامه روند موجود نرخ مذکور در برنامه سوم به ۹/۴ درصد خواهد رسید».

مسئولان حوزه قضایی در توضیح پیرامون مشکلات و تنگناهای آینده بخش قضا، تأکید کرده بودند که «فعل و انفعال ناشی از برآیند نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و نظایر آنها زمینه‌ها و بسترهای جرم‌خیزی مانند فقر اقتصادی، فقر آموزشی و فرهنگی، فقر تربیتی، بیکاری، از هم پاشیدگی خانوادگی (بویژه خانواده‌های مستعد جرم) و سستی مبانی اعتقادی و ایمانی و اخلاقی، نوع زندگی، زندگی در محیط‌های نامساعد و ... را فراهم می‌آورند» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳).

کارشناسان تدوین‌کننده «گزارش وضعیت موجود» حوزه قضایی در بیان دلایل ارزیابی خود از وضع موجود به آمار بالای تعداد زندانیان ایران اشاره نموده و آن را با دیگر کشورهای غربی مقایسه کرده بودند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸). بر اساس آمار فوق در حالی که در ایران به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت ۲۵۰ نفر در زندان به سر می‌برند، همین نرخ در امریکا ۴۲۶ نفر، در شوروی ۲۶۸ نفر، در انگلستان ۹۸ نفر، در فرانسه ۸۱ نفر، در ژاپن ۴۵ نفر و در هلند ۴۰ نفر گزارش شده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۷۹).

در واقع تقریباً اجماع کارشناسی فعال حول برنامه سوم، ضمن تأکید بر ضرورت تدوین نظامی به منظور کاهش فقر و کنترل اقبال آسیب دیده، بر قرارگرفتن برنامه‌های پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی در چارچوب برنامه کلان نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تأکید می‌کرد.

این تمایل عمومی منجر به تدوین و تصویب ماده ۴۰ قانون برنامه سوم توسعه گردید. مطابق مصوبه مذکور سازمانهای برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی موظف شدند ساختار سازمانی مناسب نظام تأمین اجتماعی را با رعایت اصولی همچون «رفع تداخل وظایف دستگاه‌های موجود»، «تأمین پوشش کامل جمعیتی»، «افزایش کارآمدی» و «مشارکت دستگاه‌های خیریه و امکانات مردمی»، تدوین و پس از تصویب هیأت دولت برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کنند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳).

قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۱ پس از طی مسیر پر فراز و نشیب تدوین، تصویب، و تأیید، توسط شورای نگهبان، به دولت ابلاغ شد. بنابراین برنامه سوم فرصت زیادی نداشت تا این قانون را تجربه کند، زیرا از همان سال نیز مطالعات برای تدوین برنامه چهارم آغاز شده بود.

بررسی‌ها و مطالعات مقدماتی جهت تدوین برنامه چهارم نیز دلالت بر وضعیت نامساعد اجتماعی و شیوع و بروز روز افزون مشکلات اجتماعی داشت (وامقی، ۱۳۸۶). از این رو در برنامه چهارم، توجه جدی معطوف به مشکلات اجتماعی گردید و بر همین اساس در مواد ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۲ و برخی مواد دیگر اقدامات و برنامه‌هایی به منظور کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی پیش بینی گردید که محوری‌ترین آن عبارت بود از ماده ۹۷. متن این ماده به قرار زیر بود: «دولت مکلف است به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید».

تأکید بر برنامه‌های ارتقایی، پیشگیری اولیه، مشارکت سازمان‌های غیر دولتی، توانمندسازی و کارگستری از سیاست‌های خاص مطرح شده در ماده ۹۷ بود که نشان دهنده اصلاح رویکرد در حوزه مسایل اجتماعی در مقایسه با برنامه‌های توسعه پیشین بود. مکلف کردن دولت به بررسی سرمایه اجتماعی در ماده ۹۸، تدوین منشور حقوق شهروندی در ماده ۱۰۰، رفع خشونت علیه زنان در ماده ۱۱۱ و توجه به آسیب‌های اجتماعی جوانان در ماده ۱۱۲ از دیگر رویکردهای برجسته برنامه چهارم به مسائل و مشکلات اجتماعی بود. بنابراین برنامه چهارم در مقایسه با دو برنامه پیشین، گامی به جلو در رویکرد به مسائل اجتماعی بود که می‌توانست زمینه اصلاح برنامه‌ها و سیاست‌ها در این حوزه را فراهم کند.

«سند کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی»، یک سند ملی بر پایه ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم است که با اتکا به اصلاح رویکردها و تجدید نظر در برنامه‌های گذشته تلاش دارد به برنامه‌های مداخله در آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی ببخشد. هدف طرح حاضر عبارت است از:

دستیابی به سند مکتوب و ملی بر پایه حداکثر توافق کارشناسی بین صاحب نظران و مسؤولان دستگاههای اجرایی مرتبط برای مداخله در زمینه ۱) ارتقاء کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی آحاد جامعه، ۲) پیشگیری از بروز مشکلات و آسیبهای اجتماعی، ۳) کنترل مشکلات و آسیبهای اجتماعی موجود، ۴) کاهش زیانهای آنها و ۵) بازتوانی افراد دچار آنها.

مبانی نظری

مداخله مفید در مشکلات و انحرافات اجتماعی بدون علم به نحوه پدید آمدن آنها ممکن نیست. اما به راستی مشکلات و انحرافات (آسیبهای) اجتماعی چه گونه پدید می آیند؟ این سؤالی است که پاسخ به آن، معرکه آراء نظریه پردازان علوم اجتماعی و رفتاری بوده است. روانشناسان و دیگر متخصصان علوم رفتاری عمدتاً در زمینه انحرافات اجتماعی نظریاتی طرح کرده اند. (Coleman JW and Cressey DR, 1993, Eitzen DS and Baca-Zinn M, 2006, Kornblum and Julian J, 1991, Putwain D and Sammons A, 1992) از سوی دیگر متخصصین علوم اقتصادی نیز ارتباط انحرافات اجتماعی و وضعیت اقتصادی را در نظریه های مختلفی ارایه نموده اند.

نخستین و معروفترین نظریه اقتصادی درباره انحرافات اجتماعی نظریه بکر (۱۹۶۸)، نقل شده در غالب منابع معتبر در این زمینه (از جمله Thio, 1998) به نام «انتخاب مستدل» است که طبق آن افراد برای گرفتن تصمیم به ارتکاب رفتار انحرافی، مثل جرم، منافع و مضار متصور برای آن و برای رفتار بهنجار - عمدتاً کار - را با هم مقایسه می کنند. طبق این نظریه مثلاً در شرایط بیکاری و پایین بودن حداقل دستمزدها انتظار می رود جرم نیز افزایش یابد. مشین و مقیر (Machine and Meghir, 2004) با مطالعه داده های پلیس انگلیس در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۶ نشان داده اند که کاهش حداقل دستمزد به افزایش جرم منجر می شود. کالم (Kallem, 2004) نیز علی رغم کنترل افزایش بیکاری بر اثر افزایش دستمزدها، همچنان این رابطه را در داده های آمریکا دیده است.

اثر سیاستهای اقتصادی بر انحرافات اجتماعی به واسطه عواملی مثل بیکاری، نابرابری و فقر نیز که خود تحت تاثیر این سیاستها قرار دارند، قابل مطالعه است. از جمله احدی و مهرگان (۱۳۸۴) اثر مخارج اجتماعی دولت، نرخ ارز، مالیاتها و درجه آزادی اقتصادی را بر نابرابری نشان داده‌اند. با این فرض، رابطه انحرافات اجتماعی با عوامل اقتصادی نیز متأثر از سیاستهای اقتصادی است. پرت و لونکمپ (Pratt and Lowenkamp, 2002) در یک مطالعه سری زمانی، رابطه معکوسی میان شرایط اقتصادی و میزان قتل یافته‌اند. صادقی و همکاران (۱۳۸۴) با استفاده از سری زمانی داده‌های قتل و سرقت طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، رابطه میزان بیکاری و نابرابری درآمدی را با این جرمها نشان داده‌اند. کلاتری و همکارانش (۱۳۸۴) در پیمایشی بر ۶۷۰ نفر از شهروندان تبریزی دریافتند که فقر، بیش از عوامل دیگر، زمینه را برای قانون‌گریزی فراهم می‌کند. سیه و پو (Hsieh and Pugh, 1993) با فراتحلیل ۳۴ مطالعه بوم شناختی دریافتند که ۹۷٪ از ۷۶ همبستگی گزارش شده میان متغیرهای جرم و متغیرهای فقر و نابرابری، مثبت و ۸۰٪ آنها بیش از ۲۵٪ بوده است. و سر انجام، در مرور نظامدار گلچین (۱۳۸۵) بر ۱۲ مطالعه که در مجموع حجم نمونه آنها ۳۴۲۴ نفر می‌شد، وضعیت اقتصادی - اجتماعی از جمله متغیرهایی بود که بیشترین تکرار و تأیید را در سبب شناسی رفتار انحرافی نوجوانان داشت.

اما از اینها متنوع تر نظریات جامعه شناسان درباره مشکلات و انحرافات اجتماعی است که آنها را غالباً در سه دسته کلی قرار می‌دهند: نظریه‌های کارکردگرا^۱، نظریه‌های تعارض گرا^۲ و نظریه‌های مبتنی بر تعامل گرایی نمادین^۳.

از این نظریه‌ها درسهایی می‌توان گرفت که از آنها برای مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی می‌توان بهره جست. در ذیل اشاره‌ای به این درسها می‌کنیم:

۱. در همه نظریه‌های متنوعی که در زمینه پدیدآیی مشکلات و انحرافات اجتماعی طرح شده و می‌شود، برخی مشترکات وجود دارد. علاوه بر این از هر نظریه نیز

1- functionalist theories

2- conflict theories

3- symbolic interactionist theories

می‌توان درسی گرفت. گویی گستردگی موضوع مشکلات و انحرافات اجتماعی اقتضا می‌کند که در بررسی نظری آنها صرفاً یکی از نظریه‌ها را برگزینیم، اما در هنگام مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی باز هم به دلیل همان گستردگی ناگزیریم از همه آنها کمک بگیریم.

۲. منظور این نیست که صرفاً از هر چمن گلی بچینیم و از هر نظریه نکته‌ای بیاموزیم و به کار بندیم، این تلفیق در عین حال باید منسجم و سامانمند (سیستماتیک) باشد.

۳. نه هیچ رفتاری ذاتاً خوب یا بد است و نه هیچ شرایط اجتماعی از مشکل و انحراف در امان. هر رفتار در شرایط معینی قابل قبول است و اگر در شرایط دیگری انجام شود، می‌تواند مشکل یا انحراف اجتماعی قلمداد شود.

۴. در هر جامعه گروه‌های مختلفی وجود دارند که هم درک و تفسیر آنها از مشکلات و هم راه حل آنها برای مشکلات با گروه‌های دیگر تفاوت دارد.

۵. مشکل اجتماعی نه به صورت منفرد، که به صورت خوشه‌ای و شبکه‌ای وجود دارد. مقابله مؤثر با هر مشکل مستلزم توجه به روابط آن با سایر مشکلات است.

۶. مشکل و به ویژه انحراف اجتماعی، هم جنبه‌های ساختاری (اجتماعی) دارد و هم جنبه‌های فردی (روانشناختی). مقابله مؤثر با هر مشکل، مستلزم توجه به این هر دو جنبه است.

۷. برای نیل به یک تلفیق سامانمند، می‌توان با توجه به نظریه‌های تعارض گرا، کاهش نابرابریها را افق و جهت‌گیری دراز مدت همه مداخلات میان مدت و کوتاه مدتی قرار داد که با درس آموزی از نظریه‌های دیگر طراحی و اجرا می‌شوند. بدون آن افق دراز مدت، ممکن است هر مداخله را با جهت‌گیری‌های متفاوت از دیگری طراحی و اجرا کنیم و سرانجام آنها یکدیگر را خنثی کنند. از سوی دیگر، بی‌اعتنایی به مداخلات میان مدت و کوتاه مدت نیز با این تحلیل که ریشه همه مشکلات در نابرابریهاست و تنها راه کاهش و کنترل آنها محو مطلق نابرابری‌هاست، ممکن

است سبب شود از انجام هر کار مفیدی در مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی باز بمانیم، بی‌آنکه به آرزوی دیرپاب خود نیز قدمی نزدیک شویم.

روش تحقیق جامعه آماری

صاحب نظران حقیقی و مسؤولان اجرایی دست اندرکار موضوع آسیب‌های اجتماعی در کشور.

نمونه آماری

لازم به توضیح است که چون روش مطالعه به اقتضای موضوع، کیفی بوده است، بنابراین نمونه‌گیری برای آن موضوعیت ندارد، ولی نظرات از دو گروه زیر جمع‌آوری شده است:

۱. شرکت کنندگان در بحث گروهی متمرکز^۱: مجموعاً حدود ۲۰ نفر کارشناس ارشد، دکترا و متخصص. ۲. هیأت منصفه دلفی مجموعاً حدود ۲۰ نفر صاحب نظران حقیقی و مسؤولان اجرایی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دست اندرکار موضوع آسیب‌های اجتماعی در کشور.

مشارکت کنندگان

صاحب نظران (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر مصطفی اقلیما، دکتر جعفر بوالهروی، دکتر پرویز پیران، دکتر مرتضی خواجوی نوری، دکتر غنچه راهب، دکتر فریبرز رئیس دانا، دکتر جعفر سخاوت، دکتر سیدحسین سراجزاده، دکتر ملیحه شیانی، دکتر انور صمدی راد، دکتر محمد عبداللهی، دکتر شهین علیایی زند، دکتر صمد کلانتری، دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی.

1- focus group discussion

سازمانهای دولتی

سازمان بهزیستی کشور: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری: دکتر حبیب ا... مسعودی فرید، زهرا اصفهانی، دکتر مهرداد احترامی، عبدالرضا اسدی، فاطمه خزائلی پارسا، سعید نوروزی جوینانی.

سازمان بهزیستی کشور: معاونت امور اجتماعی: دکتر هادی معتمدی، دکتر غلامرضا رضایی فر، فاطمه سلطانی لف شاکر، مرضیه رضایی درویش، منیره اسماعیل کوره پز، فرانک ایمانی.

سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی: دکتر پرویز افشار، دکتر مرضیه فرنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور: مجید یارمند، دکتر سعید قاسمیان، سید حسن موسوی چلک.

سازمان ملی جوانان: دکتر محمد اسحاقی، جعفر جعفری، عباس مختاری، آقای بنی جمالی، خانم پای مرد.

اداره سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: دکتر آفرین رحیمی موقر.

دبیرخانه شورای اجتماعی کشور،

سازمانهای مردم نهاد: انجمن مبارزه با آسیبهای رفتاری و ساخت رفتار سالم، انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیاء ارزشها)، انجمن سلامت اجتماعی ایران، انجمن علمی مددکاری اجتماعی.

ابزار تحقیق

پرسشنامه مخصوص دلفی که در حقیقت عیناً برگرفته از متن سند با شکل و قالب (فرمت) ظاهری مناسب برای اظهار نظر شرکت کنندگان به جزئیات بود.

روش تحقیق

در این مطالعه از دو روش بحث گروهی متمرکز که یک روش شایع از روشهای کیفی است (Sohkian, Curtis E. 1997)، (Dalkey N.C., 1969) و دلفی^۱ که یک تحقیق

1- delphi study

اجماع‌یابی^۱ است (Kreuger R.A. , 1988) (ایمای جابری، حسین، ۱۳۷۹) استفاده گردید.

مراحل انجام کار

مطالعه حاضر در ۴ مرحله اجرا گردید:

الف) تدوین پیش نویس یا ویرایش اول

در این مرحله که با همکاری گروهی از مدیران و کارشناسان وقت در معاونت امور فرهنگی و پیشگیری و معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور به صورت جداگانه و مستقل از هم صورت گرفت، از تلفیق دو روش بحث گروهی متمرکز و مطالعه دلفی استفاده شد. نهایتاً با ادغام پیش‌نویس اولیه سند تدوین شده در هر یک از دو معاونت سازمان بهزیستی کشور طی چند جلسه کارشناسی، پیش‌نویس نهایی یا ویرایش اول سند تهیه و به تأیید هر دو حوزه رسید.

ب) تدوین ویرایش دوم

در این مرحله، مجری و همکاران اصلی تحقیق، با استفاه از روش دلفی ابتدا متن ویرایش اول سند را که در قالب مخصوص نظرخواهی دلفی تنظیم شده بود، طی مکاتباتی با توضیحات و توجیحات کافی برای حدود ۴۰ نفر متخصصان و صاحب نظران موضوع آسیب‌های اجتماعی (به عنوان اشخاص حقیقی) و حدود ۴۰ نفر از مدیران اجرایی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دست‌اندرکار موضوع آسیب‌های اجتماعی در کشور ارسال نمودند که در این میان افرادی با رشته‌های تحصیلی مرتبط از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، روان پزشکی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، پزشکی اجتماعی، پزشکی و ... به تعداد کافی وجود داشتند.

از میان کلیه افرادی که با آنها مکاتبه اولیه صورت گرفت، نهایتاً ۱۶ نفر از اشخاص حقیقی و ۴ نفر از اشخاص حقوقی پاسخ دادند.

1- consensus theory

نظرات رسیده به صورت بی نام^۱ یعنی بدون اطلاع از نام و سمت اظهار نظر کنندگان، توسط کارشناس همکار تحقیق بین مجری و همکاران اصلی تحقیق (گروه تحقیق) تقسیم گردید. سپس هر یک از اعضای گروه تحقیق، نظرات در اختیار خود را جمع‌بندی و طبقه‌بندی نمودند و در جلسات متعدد بحث و تصمیم‌گیری که بین اعضای گروه تحقیق برگزار شد، در مورد اعمال نظرات مکتوب رسیده و چگونگی آن با حفظ انسجام کلی سند، بحث و تصمیم‌گیری و اقدام صورت گرفت.

ج) تدوین ویرایش سوم

در این مرحله از کلیه صاحب نظران و متخصصان که در مرحله دوم همکاری کرده بودند و نیز از کلیه مدیران اجرایی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دست‌اندرکار موضوع آسیب‌های اجتماعی در کشور برای حضور در یک نشست هم‌اندیشی (کارگاه مشورتی) دعوت به عمل آمد. در این نشست ۱۰ نفر اشخاص حقیقی صاحب نظر و ۱۲ نفر اشخاص حقوقی شرکت داشتند.

جلسه کارگاه یا نشست هم‌اندیشی با تقسیم اعضای شرکت‌کننده به ۲ کارگروه، برگزار گردید. نتایج مباحثات هر کارگروه نهایتاً در جلسه عمومی مطرح و در مورد هر بند اصلاحی پیشنهادی، پس از استماع نظرات موافق و مخالف، رأی‌گیری برای افزودن یا حذف آن به متن سند صورت گرفت. جمع‌بندی نهایی متون اضافه یا حذف شده از متن سند پس از برگزاری کارگاه انجام شد.

د) تدوین ویرایش چهارم

در این مرحله متن ویرایش سوم سند برای کلیه صاحب نظران و متخصصانی که در مرحله دوم یا سوم همکاری کرده بودند و نیز برای کلیه مدیران اجرایی دستگاه‌های دولتی و غیردولتی دست‌اندرکار موضوع آسیب‌های اجتماعی در کشور ارسال گردید، تا چنانچه

^۱. anonymous

همچنان اصلاحاتی مدنظر باشد، اعمال گردد. تعداد محدودی پیشنهاد برای اصلاح دریافت شد و حتی الامکان مواردی از آن با تلاش جهت حفظ انسجام کلی سند، اعمال گردید. بدین ترتیب ویرایش چهارم یا نهایی سند آماده و تحویل سفارش دهنده اصلی، یعنی وزارت محترم رفاه و تأمین اجتماعی شد.

یافته‌ها

بر پایه تعریف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از «سند ملی» (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳)، «سند ملی طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی» به شرحی که در این گزارش رفته است، تدوین گردید. در تدوین سند مذکور علاوه بر نظرات کارشناسی، سه سند راهنما به صورت مبنا مورد بهره برداری قرار گرفتند: ۱. چشم انداز بلند مدت جمهوری اسلامی ایران، ۲. سیاست‌های کلی نظام ۳. قانون برنامه چهارم توسعه. علاوه بر این اگرچه چارچوب تهیه و تدوین سندهای ملی ویژه (فرابخشی) برحسب موضوع متفاوت می‌باشند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳) در تدوین این سند تلاش شد تا چارچوب کلی حاکم بر اسناد مشابه رعایت گردد.

بر این اساس، سند حاضر در ۱۰ قسمت شامل مقدمه، تعاریف، اهداف، اصول و مبانی نظری، ارزیابی وضعیت موجود، چالش‌ها و تنگناهای اساسی و مهم (سطوح خرد، میانه، کلان)، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی، برنامه‌ها و اقدامات اجرایی، آیین‌نامه اجرایی و بالاخره جدول تقسیم کار ملی تنظیم گردید.

تغییرات و اصلاحاتی که در طول مراحل تحقیق بر روی متن اولیه سند (پیش‌نویس سند) صورت گرفت بدین شرح می‌باشد:

۱- در مرحله تدوین ویرایش دوم: براساس توصیه‌ها و پیشنهادهای رسیده، تغییرات اساسی در بخشهای مقدمه، مبانی نظری و مرور منابع سند و اصلاحاتی به ویژه از نظر استناد به آمار و اطلاعات هر چه مستندتر و رسمی‌تر صورت گرفت.

همچنین بخش «تحلیل وضعیت کنونی» که شامل ضعفها، قدرتها، فرصتها، تهدیدها

و چالش‌ها بود از نظر اجتناب از هم پوشانی و خلاء و نیز تناسب با تعریف علمی و عملی هر یک از عناوین فوق الذکر، مورد بازبینی جدی قرار گرفت.

در بخش تعاریف نیز، اصلاحات مهمی از قبیل حذف برخی تعاریف غیر مرتبط با سند و اصلاح سایر تعاریف صورت پذیرفت.

در بخش برنامه‌های ملی و پروژه‌های ذیل آن، بازبینی و اصلاح از نظر اجتناب از هم‌پوشانی و خلاء در پروژه‌های مرتبط با برنامه‌های مختلف و نیز تهیه جدول تقسیم کار ملی برای هر یک از پروژه‌ها، با تعیین دستگاه مسئول تدوین پروژه و دستگاه‌های همکار تدوین و نیز دستگاه مسئول اجرای پروژه و دستگاه‌های همکار اجرا انجام شد.

در پایان متن آیین نامه اجرایی سند نیز جهت الصاق به متن سند تهیه و تنظیم گردید. ۲- در مرحله تدوین ویرایش سوم، اصلاحات عمدتاً شامل افزودن یا تأکید بیشتر بر طرحهایی با مضامین زیر در متن سند بود، که انجام گردید:

تأمین امنیت غذایی (با تأکید بر کودکان زیر ۱۲ سال و مادران باردار و شیرده)، تعمیق ارزشهای اخلاقی، پیشگیری از فساد اداری، تعریف شرایط تخصصی برای احراز مناصب مدیریتی، تأمین و ارتقای سلامت اجتماعی، تقویت روحیه شادمانی و امید، توسعه ورزش، ادغام آموزشهای پیشگیری در نظام آموزش و پرورش، تأمین و ارتقای سلامت روانی، بهسازی نظام توزیع درآمد و ترمیم دستمزد در گروه‌های در معرض خطر؛ گسترش خدمات پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به پسران در معرض خطر (علاوه بر دختران در معرض خطر)؛ گسترش خدمات اشتغال‌زا، تأکید بر برنامه‌های پیشگیری از حوادث در برنامه‌های پیشگیری از معلولیت، عدم اشتغال کودکان، توسعه فعالیتهای علمی در نظام اجرایی و دانشگاهی کشور، حمایت از مراقبین آسیب دیدگان اجتماعی و معلولین، مداخله در بحرانها و شناسایی نقاط بحران‌زا و پیشگیری از آن و پیش‌بینی درصدی از بودجه‌های هر طرح برای انجام پژوهش‌های مرتبط با آن طرح.

در قسمت تعاریف، ۱۶ کلید واژه اصلی که در این سند به آنها اشاره شده تعریف شده‌اند. سپس سند بر پایه چهار هدف به قرار ذیل تنظیم شده است:

- ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی آحاد جامعه
- کاهش بروز آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی
- کاهش شیوع آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی
- کاهش ناتوانیها و زیانهای ناشی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی
در قسمت اصول و مبانی نظری پس از توضیح سه دیدگاه کارکردگرا، تعارض‌گرا و تعامل‌گرای نمادین، بر رویکرد تلفیقی سند تأکید شده است.
ارزیابی وضعیت موجود بر پایه اسناد و اطلاعات رسمی کشور در دو بخش توصیف وضع موجود و تحلیل وضعیت موجود توضیح داده شده است. تحلیل وضعیت موجود در چارچوب روش تحلیل استراتژیک در چهار قسمت قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها ارائه شده اند.
در هر یک از بخش‌های قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها نیز یافته‌ها به سه گروه «ساختار»، «رویکرد» و «برنامه» تفکیک شده‌اند.

چالش‌ها و تنگناهای اساسی و مهم در سه سطح خرد (فرد و خانواده)، میانه (عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مسئول) و کلان (سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تبیین شده‌اند.
در این سند بطور کلی ۸ سیاست کلی پیش بینی شده و ذیل هر سیاست نیز چند خط مشی اجرایی ارائه شده است. همچنین بر اساس یافته‌ها در قسمت‌های پیشین، اجرای ۴ برنامه ملی به منظور دستیابی به اهداف سند و در راستای سیاستهای سند به قرار زیر پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از:

- برنامه ملی ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی آحاد جامعه
- برنامه ملی پیشگیری از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های در معرض خطر
- برنامه ملی کنترل و زیانکاهی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های آسیب‌دیده اجتماعی و بازتوانی آنها
- برنامه ملی تقویت ساختاری سازمان‌های رفاه اجتماعی (اعم از دولتی، مردم نهاد و اجتماع محور)

این سند با ارائه آیین نامه اجرایی و جدول تقسیم کار ملی خاتمه یافته است. در جدول تقسیم کار ملی که حاصل نهایی و برونداد مجموعه یافته‌ها است دو گروه «مسئول تدوین طرح‌ها» و «مجریان» آنها به تفکیک پیشنهاد شده‌اند. به علاوه در بخش اجرا با توجه به تأکیدات برنامه چهارم توسعه و سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی سند، سهم و وظایف خاصی برای نهادهای مدنی و بخش خصوصی نیز در نظر گرفته شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

فقدان برنامه‌های جامع و راهبردی (استراتژیک) برای مبارزه با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی کشور همواره یکی از ضعفهای مهم و جدی این حوزه بوده است: برنامه‌ای که با رویکردی فرابخشی، ضمن پوشش دادن به کلیه سطوح و زوایای متصور موضوع به منظور جلوگیری از خلاءهای برنامه‌ای، کمترین تداخل وظایف را برای سازمانها و نهادهای اجرایی مرتبط ایجاد نماید؛ برنامه‌ای که ضمن در نظر داشتن اهداف بلند مدت و ریشه‌ای، اهداف میان مدت و کوتاه مدت را نیز از نظر دور ندارد؛ برنامه‌ای که سراسر، در راستای سیاستها و خط مشی‌های واحد و هماهنگی طراحی شده باشد؛ و برنامه‌ای که اهداف و برنامه‌های عملیاتی آن نه از تراوش ذهن صاحب نظران و مسئولان که از برآیند تحلیل استراتژیک وضعیت موجود نشأت گرفته باشد.

در تدوین سند حاضر، تلاش وافر شده است برنامه‌ای با ویژگی‌های فوق به دست‌آید و خوشبختانه سطح همکاری بالای صاحب نظران از رشته‌های متنوع و مرتبط بر دقت و صحت و علمی بودن هر چه بیشتر سند حاضر افزوده است. همچنین تداوم همکاری صاحب نظران در چهار مرحله تدوین ویرایش‌های مختلف سند، خود، نکته‌ای بسیار برجسته و حائز اهمیت است.

با تمام این اوصاف محدودیت‌هایی نیز در مراحل مختلف تدوین سند وجود داشته که اغلب غیر قابل اجتناب بوده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از محدودیت در استفاده و بهره برداری از اطلاعات علمی مندرج در منابع غیر رسمی اشاره کرد. همچنین اختلاف نظرات

جدی و لاینحل در مورد برخی تعاریف، مانند تعریف «مشکل اجتماعی» و «آسیب اجتماعی»، مجریان طرح را ناگزیر به استفاده از تعریف تلفیقی از این دو مفهوم کرد. از سوی دیگر اختلاف مکاتب و دیدگاه‌های نظری در مورد مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مجریان طرح را به سمت و سوی رویکرد تلفیقی هدایت نمود که البته شاید بتوان از آن به عنوان نقاط قوت و از برجستگی‌های این سند یاد کرد.

درخصوص افراد شرکت کننده در نظرخواهی به روش دلفی، نکته قابل توجه و تأسف بار، کمبود همکاری اشخاص حقوقی (مسئولان اجرایی) مرتبط، در مقایسه با اشخاص حقیقی (صاحب‌نظران و متخصصان) بود. این نکته بخصوص از نظر پذیرش و ضمانت اجرایی سند در آینده به ویژه نزد سازمانهای دولتی خارج از بخش رفاه و تأمین اجتماعی، قابل تأمل است.

به علاوه رویکرد غالب بسیاری از شرکت کنندگان حقوقی، رویکرد «بخشی» و «نگاه حال نگر» بود که خطر پررنگ سازی اهداف و برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت سند را در مقایسه با اهداف و برنامه‌های بلند مدت و ریشه‌ای، نزد مسئولان اجرایی، همانند سنوات گذشته، مطرح می‌سازد و نیاز به توجه و نظارت جدی دارد.

در سند حاضر در جای جای برنامه‌های عملیاتی بر وظایف نهادهای غیردولتی تأکید شده است اما نظر به اینکه نقش این سازمانها در ساختار مبارزه با مشکلات و آسیب‌های اجتماعی کشور، نهادینه و سازمان یافته نیست، چنانچه توجه ویژه‌ای به آن نشود نگرانی جدی برای کم رنگ شدن آن در عمل وجود دارد.

قابل ذکر است که با تأکید اکثریت شرکت کنندگان، در این سند به آن دسته از آسیب‌های اجتماعی که خود، دارای سند ملی مکتوب جداگانه‌ای بودند، مانند اعتیاد، تنها به صورت بسیار محدود پرداخته شده است.

مجریان پیشنهاد می‌کنند که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، با توجه به مأموریت و وظیفه قانونی و نیز نقش کلیدی و هماهنگ کننده خود در حوزه‌های اجتماعی و قبل از تغییر در روند مشکلات و آسیب‌های اجتماعی و تغییر در اولویت‌های اجتماعی کشور در

جهت پیاده سازی این برنامه ملی، گامهای جدی و مؤثر بردارد تا از یک سو در پایان دوره پیش‌بینی شده شاهد دستیابی به بخشی از اهداف برنامه باشیم و از سوی دیگر موجبات دلسردی مسئولان اجرایی و صاحب‌نظرانی که دلسوزانه در تدوین این برنامه تجربیات و دانسته‌های خود را عرضه نموده‌اند، فراهم نگردد.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، دستورالعمل تهیه اسناد ملی بخشی و فرابخشی، اهداف آرمانی، کیفی و کمی بخشها، جداول کمی برنامه چهارم و برنامه زمان‌بندی فعالیتها.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳)، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳)، گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، سند برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، پیوست شماره ۲، لایحه برنامه، جلد دوم.
- موسوی چلک. (۱۳۸۳)، مجموعه تحلیلهای آماری مسایل اجتماعی ایران (جلدهای ۱، ۲، ۳)، تهران، انتشارات شلاک.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۷۷)، «استراتژی کاهش آسیب‌های اجتماعی در برنامه‌های اول و دوم توسعه»، مجموعه مباحث و مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم توسعه کشور، سازمان برنامه و بودجه.
- مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۷۹)، «آسیب‌ها انحرافات اجتماعی و فقر در ایران»، فقر در ایران (مجموعه مقالات)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- وامقی، مروئه؛ مدنی قهفرخی، سعید؛ رفیعی، حسن؛ (۱۳۸۶)، مشکلات اجتماعی ایران از دیدگاه مدیران، کارشناسان و صاحب نظران مسائل اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ایمانی جاجری، حسین. (۱۳۷۹)، «آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، شماره اول.
- مارشال، کاترین و راس من، گرجن ب. (۱۳۸۱)، روش تحقیق کیفی (ترجمه: علی پارسائیان، سید محمد اعرابی)، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- احمدی، علی محمد و مهرگان، نادر؛ (۱۳۸۴)، تأثیر سیاستهای تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، تحقیقات اقتصادی، ۷۰، صص ۲۰۹-۲۳۲.

- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید؛ اصغریور، حسین. (۱۳۸۴)، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، تحقیقات اقتصادی، ۶۸، صص ۶۳-۹۰.
- کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران. (۱۳۸۴)، ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، رفاه اجتماعی، ۱۸، صص ۶۵-۹۰.
- گلچین، مسعود. (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی جوانان در آینه پژوهشها (نمونه‌ای از کاربرد فن تحلیل ثانوی)، نامه علوم اجتماعی، ۲۸، صص ۱۲۴-۱۵۸.
- Coleman JW and Cressey DR, 1993, **Social Problems**, HarperColins, New York.
- Eitzen DS and Baca-Zinn M, 2006, **Social Problems**, Allyn and Bacon, Boston.
- Kornblum W and Julian J, 1991, **Social Problems**, Prentice Hall, New Jersey.
- Putwain D and Sammons A, 2002, **Psychology and Crime**, Routledge, East Sussex.
- Scarpitti FR and Anderson ML, 1992, **Social Problems**, HarperColins, New York.
- Thio A, 1998, **Deviant Behavior**, Longman, New York.
- Anderson & others (1975), **Encyclopedia of Educational Evaluation**, Concepts and techniques for evaluating Education and training programs, Jossey-Bass inc. SanFrancisco.
- Javy, David. Julial (1991), **Dictionary of Sociology**, Harper Collins.
- Sohikian, Curtis E. (1997). **The Delphi Method**, The Corporate Partnering Institute.
- Dalkey, N.C. (1969) **The Delphi Method: An experimental study of group opinions**, Santa Monica, Calif.
- Kreuger, R.A. (1988) **Focus Groups: A practical guide for applied research**, Newburg Park, CA: Sage.
- **The World Bank Economic Review**, Vol.5, May 1991, No.2..

- **The World Bank Economic Review**, Vol. 7, Sep. 1993, No.3.
- **The World Bank Economic Review**, Vol.5, Jan. 1991, No.1.
- **The World Bank Economic Review**, Vol.3, Sep. 1989, No.3.
- Hsieh CC and Pugh MD, 1993, Poverty, Income Inequality, and Violent Crime: A Meta-Analysis of Recent Aggregate Data Studies, **Criminal Justice Review**, 18 (2) ;182-202.
- Kallam AJ, 2004, **Youth Crime and the Minimum Wage**, Senior Thesis to Harvard University, Department of Economics (in partial fulfillment of the requirements for a degree with honors of Bachelor of Arts).
- Machin and Meghir C, 2004, Crime and Economic Incentives, **Journal of Human Resources**, 39 (4): 958-979.
- Pratt TC and Lowenkamp CT, 2002, Conflict Theory, Economic Conditions, and Homicide: A Time- Series Analysis, **Homicide Studies**, 6 (1): 61-83.